

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

۱۰/۱۱/۰۳



نویسنده

Christoph R. Hörstel کریستف ر. هورستل

ترجمه

به فارسی از: حمید بهشتی

پروژه آزمایشی برای برقراری صلح و طرح برون رفت نیروهای خارجی از افغانستان

۵. سوالات، مسائل، عکس العمل ها

۵. ۱. سوالات

اولین عکس العمل در قبال این طرح غالباً طرح سوال می باشد، به ویژه سوالات زیر:

۱. آیا میتوان به طالبان اعتماد نمود؟

اگر نمیشد به جنبش اسلامی اعتماد نمود، نویسنده سالها پیش مرده بود و همراه او یک عده از مددکاران بازسازی از اهالی کشورهای مختلف که باطالبان مشکلی ندارند.

۲. آیا همه نیروهای مقاومت به تعهدات خویش پایبندی نشان می دهند؟

بزرگترین گروه مقاومت طالبان هستند. آنها نه به طور مشترک فکر می کنند و نه عمل. اما از خط مشی اصلی طالبان، همه آنها پیروی می کنند. طالبان اصولاً قابل اطمینان می باشند. این خط مشی اصلی را ملا عمر پس از برگزاری جلسه شورای رهبری اعلام می کند.

۳. آیا قندوز برای یک طرح آزمایشی خیلی بزرگ نیست؟

اگر در آغاز کار قندوز به صورت یک واحد بسیار بزرگ (و غیر قابل کنترل) ارزیابی شود، ممکن نخواهد بود مسئولان اصلی سیاسی را نسبت به گسترش پروژه بر تمامی افغانستان قانع نمود. واحدی کوچکتر از یک ولایت نمیتواند مبداء قابل اتکائی برای تعمیم نتیجه پروژه آزمایشی بر تمامی افغانستان باشد.

یک ایراد تکراری مربوط به کوشش های صلح منطقه ای می باشد. در این باره باید گفت: همانطور که هر گروه کوچک خوانندگان کُر، مقدماتاً با تک تک اعضاء آن آغاز به تمرین می کند، تا اینکه سرانجام نوبت به مجموع گروه خوانندگان کر (آنسانبل Ensemble) برسد، باید عمل نمود. ریسک اینکه به هنگام توافق در سطح ملی مشکل پیش آید بسیار زیاد است (به پرسش سوم در بالا توجه کنید). ما در هر دو سو به اقدامات اعتماد ساز نیاز داریم. این موضوع در پروژه آزمایشی قندوز در نظر گرفته خواهد شد.

۵. ۲. مسائل مربوط به مجموع طرح

صداقت حکم می کند که اشکالات این پیشنهاد نیز ذکر گردند:

۱. آغاز پروژه در صورتی در یک ولایت با شکست مواجه می گردد که پیشرفت های بعدی به سرعت نائل نگردند.
۲. وجود اراده تحول از پیش فرض شده است، اما در واقع هنوز این اراده در کلیه فعالان وجود ندارد (از جمله در سوداگران مواد مخدر) چه رسد به قوای پیمان ناتو.
۳. به خاطر سود فوق العاده ای که مواد مخدر دارد، آغاز پرداختن بدان در دومین سال از برنامه سه ساله (با آغاز روابط دموکراتیک) میسر است و پس از آنکه بازسازی و کمک به توسعه در محل توفیق پیشرفت داشته و در نتیجه از بروز احتیاجات شدید مردم جلوگیری شده باشد.
۴. اگر قرار باشد به دلایل مهم فوق پروژه آزمایشی و طرح برون رفت قوای خارجی آغاز نگردد، مضرات آن بسیار بیشتر خواهد بود

۵. ۲. ۱. طرح لدراخ در ولایت قندوز

پس از مطرح شدن شرایط موجود و وضعیت حاضر در ولایت قندوز این سؤال مطرح میشود که تا چه میزان جهات مطروح در نظریه لدراخ، برای ایجاد صلح در این استان به صورتی مثبت، قابل اجراء می باشند.

در کنار حملات متعدد و جنگهای دیگران که به طور جانشینی بر افغانستان تحمیل شده اند، و فعالیت های نظامی عمال بیگانگان در تمامی افغانستان و در قندوز، زندگی مردم این ولایت از دهها سال پیش توسط درگیریهای دائم میان اقوام و ایلات مختلف شکل گرفته است که محور اصلی آن درگیریهای میان مردم تاجیک و مردم ازبک می باشد. اما طالبان نیز مشکل رشد یابنده ای هستند که غالباً در شهر قندوز که اکثر اهالی آن پشتون می باشند، وجود دارد. در مقابله با طالبان بیش از همه ازبک ها و تاجیک ها مشترکاً در چارچوب اتحاد شمال جنگیده اند.

ریشه تمامی این کشمکش ها می باید به وضوح شناسائی شده و روابط و ساخت های اجتماعی مناسب و مساعد برای برطرف نمودن گام به گام این اختلافات می باید پایه ریزی و استحکام یابند.

به ویژه مشکل مواد مخدر - کشت خشخاش و معامله با این مواد - را نمیتوان با مدل لدراخ حل کرد، زیرا به خاطر سود فراوان حاصل از آن نمی توان از این فرض حرکت کرد که مردم از کشت این محصول صرفنظر خواهند نمود. و این برای اعضاء کلیه اقوام در تمامی سطوحی که از اینکار بهره می برند مصداق دارد. در این مورد به نظر میرسد که فقط اتخاذ سیاست های کمک عمرانی و قائل شدن مزایای مالی بتوانند به حل مشکل کمک نمایند.

۵. ۲. ۲. چشم اندازهای کوتاه مدت و درازمدت

مشخصاً این بدان معناست که راه حل مشکلات فعلی می باید در پیوند با یک برنامه درازمدت برای تغییر و تحول در مناسبات میان گروههای قومی در ولایت قندوز باشد. و بدون افزایش چشمگیر کمک بین المللی به بازسازی، اینکار میسر نیست. در کوتاه مدت می باید اقدامات لازم جهت بازسازی زیرساخت اجتماعی و دسترسی مردم به خدمات دولتی و غیر دولتی و در جمع، شرایط زندگی مردم بهبودی یابد. در به کار انداختن پروژه های کوتاه مدت می باید چشم انداز درازمدت نیز در نظر گرفته شود. این مشخصاً بدین معناست که در اینگونه پروژه ها باید همواره متوجه بود که به لحاظ قومی جنبه اعتدال رعایت گشته و بدینطریق در خدمت اعتمادسازی و تثبیت اوضاع محلی باشد.

۵. ۲. ۳. زیربنا و اساس صلح

اقدامات موجب اعتماد میان دستجات دشمن یکدیگر می باید در تمامی سطوح مردم دخیل در ماجرا (رهبری، سطح میانی و پایه) اعمال گردد (۲۶). جنگسالاران مانند ژنرال فهیم و ژنرال دوستم می باید با حفظ رعایت شئون و تحت فشار بین المللی متقاعد شوند که با یکدیگر مصالحه نموده و این امر را رسماً نیز اعلام نمایند. فعالیت روانشناسانه برای برطرف نمودن مشکلات ناشی از خاطرات وحشتزای جنگ می تواند موثر افتد و به همین صورت نیز گفت و گو های جمعی برای حل اختلافاتی که لدراخ آنها را ویژه سطح میانی میداند.

به عنوان مهمترین جنبه لازم برای ایجاد صلحی ممتد به "در اختیار بومی نهادن" که لدراخ توصیه می کند، اشاره می شود. دخیل نمودن فعال تمامی سطوح مردم با رعایت ساز و کارهای محلی به ویژه در محیطی مانند ولایت قندوز بسیار مهم به نظر می رسد. مقصود از ساز و کارهای محلی در اینجا شوراها می باشند که در افغانستان به طور سنتی چارچوب مرسوم برای اتخاذ تصمیمات و حل اختلافات می باشند. استفاده از این امکان موجود در محیط نه فقط برای حل مشکلات موجود، بلکه همچنین برای تشخیص امور مهم نیز مفید می باشد. استفاده از شوراها به عنوان وسیله موثری برای تقویت مسؤلیت خود طرفین دعوا در فرایند صلح، به نظر میرسد اقبال دوام یافتن صلح را بالا برد.

شوراهای به رسمیت شناخته شده نه تنها قادر به تقویت ادارات محلی می باشند بلکه برای توانمندی دادگاهها و بالا بردن اعتبار آنها در نزد مردم مفید می باشند. زیرا در مراحل پیشرفته طرح برون رفت قوای بیگانه است که

نیروهای امنیتی خود افغانستان قادر خواهند بود وظیفه جذب نیروهای غیر نظامی سابق را به عهده گیرند. البته در این زمینه باید تعادل ترکیب قومی مراعات گردد.

۵. ۳. عکس العمل های سیاسی نسبت به طرح صلح

برای کار بر روی پروژه آزمایشی ایجاد صلح و برون رفت قوای خارجی متکی بدان، ملاقاتهای انجام شده با منشیان برخی از وزارتخانه ها در سطوح مختلف دارای اهمیت بود: خارجه، دفاع، مالیه و زراعت (که آخرین وزارتخانه مذکور به خاطر بخش عظیم مردم و لزوم تجدید جهت راهبردی کمک های عمرانی اینجا ذکر شده است) و نیز با منشیان ریاست جمهوری. عکس العمل همه آنها نسبت به این طرح مثبت بود. مشکلترین این ملاقاتها با منشی وزیر مالیه، شرانی بود، اما در این مورد نیز مخالفت اصولی در بین نبود.

برخورد مثبت حکمتیار به طرح هورستل که در پایان سال ۲۰۰۶ هم کتباً و هم با نوار ویدیو به ثبت رسید نقطه عطفی بود. در اواسط دسامبر از جانب روابط رسمی کرسی به هورستل در یک گفت و گوی شخصی توافق وی را از جهت (مذاکره با) طالبان اعلام نمود. اواسط ژوئن ۲۰۰۸ اجتماع بزرگی از افغانهای پناهنده در شهر هامبورگ در حضور دو تن از نمایندگان مجلس المان که هورستل به نمایندگی از افغانها دعوت کرده بود، توافق خود را با طرح هورستل اعلام نمودند.

پیشنهاد گروه "تسیون Zion" در نشست فوق العاده حزب سبزهای المان در تابستان سال ۲۰۰۷ که به درخواست هورستل در این باره به شور پرداخت، موفقیت آمیز بود.

در جناح میانی سیاسی و در جناح چپ فراکسیون حزب سوسیال دموکراسی در مجلس المان این طرح از حمایت روزافزونی برخوردار است.

باید دید چه زمان دولت المان و رسانه های این کشور موضع بی تفاوتی خویش را نسبت به طرح مزبور رها می کنند.

-
1. Kaim, Markus: „ISAF ausbauen – OEF beenden“, *SWP-Aktuell 43*, Stiftung Wissenschaft und Politik, Berlin, Juli 2007, http://www.swp-berlin.org/de/produkte/swp_aktuell_detail.php?id=7883&PHPSESSID=035bede3939406c85d3ea7c3a9b3a9d7
 2. Noetzel, Timo und Schreer, Benjamin: “Strategien zur Aufstandsbekämpfung”, *SWP-Aktuell 03*, Stiftung Wissenschaft und Politik, Berlin, Januar 2008, http://www.swp-berlin.org/de/common/get_document.php?asset_id=4635

3. AP: „Unpopularity of Karzai government threatens Afghanistan war effort, Holbrooke warns“, *International Herald Tribune* (IHT), 28.4.2007, <http://www.iht.com/articles/ap/2007/04/28/europe/EU-GEN-Nato-Afghanistan.php>
4. Rubin, Barnett R.: „Saving Afghanistan“, in: *Foreign Affairs*, Januar/Februar 2007, <http://www.foreignaffairs.org/20070101faessay86105/barnett-r-rubin/saving-afghanistan.html>
5. Eine solche Neuordnung habe ich im Herbst 2002 im Auftrag des Gouverneurs der Provinz Nangarhar erstmals in Afghanistan in einer viertägigen Findungskonferenz mit der gesamten Provinzregierung durchgeführt. Sofortiger Erfolg damals: Zusatzmittel in Höhe von 20 Mio. US-Dollar.
6. Lederach, John Paul: „Building Peace – Sustainable Reconciliation in Divided Societies“, Washington 1997, United States Institute of Peace Press, (sämtliche Abbildungen)
7. Ehemals Harvard-Universität, Cambridge, Mass., jetzt Institutsleiter der University of Notre Dame, Notre Dame, Ind.
8. Bercovitch, Jacob: „Mediation in International Conflict. An overview of theory, a review of practice“, 1997, <http://www.crinfo.org/articlessummary/10043/>
9. Lederach, in: Rupesinghe (1995), SS. 201f.
10. Dugan, Maire: „A Nested Theory of Conflict“, *A Leadership Journal: Women in Leadership – Sharing the Vision*, Nr. 1 1996, S. 9 – 20.
11. Curle, Adam: *Making Peace*, London, 1971
12. Lederach, in: Kumar Rupesinghe (Ed.): *Conflict Transformation*, New York, 1995, S. 203
13. Lederach, in: Josef Freise/Eckehard Fricke (Eds.): *Die Wahrheit einer Absicht ist die Tat: Friedensfachdienste für den Norden und den Süden*, Idstein, 1997, S. 48
14. In der Literatur finden sich diverse Umschriftweisen des persischen Namens قندوز. Im Folgenden wird die im Sprachgebrauch am häufigsten verwendete Form Kunduz benutzt.
15. <http://www.afghanistan-seiten.de/afghanistan/pro4.html#kunduz>
16. Hans Krech, *Der Afghanistan-Konflikt 2002-2004*, Berlin 2004, S. 35
17. Marco Seliger: *Zwickmühle Kunduz*, in: loyal, Das deutsche Wehrmagazin, Nr. 9, Oktober 2003, S. 18-21 Seliger, S. 19f.
18. <http://www.afghanistan-seiten.de/afghanistan/pro4.html#kunduz>

19. Colla Schmitz: *Kunduz. Das Gesetz des Handelns*, in: Y. Magazin der Bundeswehr, 09/2006, S. 61
 20. http://en.wikipedia.org/wiki/Afghan_Northern_Alliance
 21. S. Fußnote 17, Seliger, S.28
 22. *ibid.*
 23. vgl. Fußnote 16, Krech, S. 35/36
 24. vgl. Fußnote 17, Seliger, S. 30
 25. Stichwort: *alternative livelihood*
 26. vgl. S. 14
-